

Reg No: 1145407

#### ما با دینمان چیزی نمیخریم...

ا تابعي عالم و عابد، ابن محيريـز مكـي بـراي خريـد لبـاس وارد مغازهای شد. مردی به صاحب مغازه گفت: ای مرد، ا این ابن محیریز است، با او خوب معامله کن! ا ابن محیریز خمشگین شد و از مغازه بیرون آمد و گفت: ا مىخواھىم با پولمان بخريم نه با دينمان! [ (۳۸۹ /۴) مختصر تاریخ دمشق ابن منظور



## سرمقاله

# توصیه به جوان مسلمان

جز اساسی رشد معنوی یک جوان مسلمان پایبندی بر نماز های پنجگانه میباشد.

از انجائیکـه یـک جـوان مسـلمان در اوایـل مرحلـه جوانی خود هنوز پای بر جاده بسوی منزل نهاده که با وسوسـه هـای گوناگـون و فتنـه هـای ایـمان سـوز در ا برابـر عقیـده اش آزمایـش میشـود.

یکی از اساسی ترین وظایف جوان مسلمان چیره امـدن بـر همچـون وسوسـه هـا , فتنـه هـا سـت تـا $^{
lap{1}}$ ا توانسـته باشـد کـه از دیـن خـود کـه توشـه کامیابـی ا دارین او است حفاظت کرده و نیز کمر همت بسته و ا تعالیـم درسـت اسـلام را اول خـود جامـه عمـل پوشـانده و به دیگران نیـز برسـاند تـا نقـش سـازنده را در جامعـه ٔ خود ادا کرده باشد.

جـوان مسـلمان از وقـت خـود طـوری اسـتفاده می کنـد که نماز های پنجگانه را با پایبندی در اوقاتش تحت هرگونه شرایط دشوار ادا میکند و از رفتن در جا های بیه وده و کار های که فایده دینی و دنیوی بـر آن مرتب نمیگردد پرهیز میکند.

جـوان مسـلمان سـخن نميگويـد بجـز خيـر و از غيبـت، ▮ تهمت و حسادت جدا اجتناب می ورزد.

جـوان مسـلمان در کارهـای روز مـره آش از بـزرگان نزدیکش مثل پدر، مادر، برادر و دیگر اقارب وایا 🗓 اهـل خیـر کـه در اطرافـش قـرار دارد مشـوره میگیـرد که در نتیجه کار های او درست و بنیاد محکم بـرای زندگی آینده خود به اینگونه ساخته و الگویی برای دیگران قرار میگیرد.

ا و در ایجاد ارتباط دوستانه سالم مطابق تعالیم دینی کوشا بوده و اساس درست برای مراحل بعدی عمرش ا را بنـا میکنـد، در انتخـاب دوسـتان خـود خیلـی دقیـقⅠ. می باشد و بسا اوقات از افراد مورد اعتمادش مشوره ا نیز میگیرد و این امر از این لحاظ خیلی مهم است کـه پیامـبر ص فرمـوده انـد کـه هـر شـخص بـه دیـن دوست اش میباشد بـا دوسـتان غیـر مسـلمان اش روابط احسـن میداشـته باشـد کـه ایـن باعـث تقویـت ایـمان و ِ ا عقیده اش میگردید و با دوستان مسلمان خود تا حد $\mathbb{I}$ آخوت در دوستی اش می ایستد.

همچنان جوان مسلمان در کسب علم میکوشد چون ▮ علــم یکــی از فرایــض مهــم دیــن ماســت کــه پیامــبر ٳ. اسلام (ص) بر کسب آن تاکید نموده، آن را یکی از فریضه های مهم خوانده، و در احادیث مختلف مسلمانان را بـرای بدسـت آوردن آن فراخوانــده انــد.





لتان خلک





شكر ناروغي څه ډول رامنځته كبري؟















(7)

T

# كارهاي اجتماعي مفيد عبادت اند

در آن غوطه ور میشود» .

#### منبع: کتاب عبادت در اسلام

هر عملی که ادمی به وسیلهٔ ان اشک محزونی را پاک سازد یا اندوه رنجیدهای را کاهش دهد یا زخم سرکوب شدهای را مرهم گزارد یا از مظلومی حمایت کند و یا مغلوبی را از خواری درآورد یا دین ورشکستهٔ گرانباری را بپردازدیا از فقیر با ابروی عیالمندی دستگیری کند یا سرگردانی را هدایت نماید یا نادانی را آموزش دهد یا به غریبی، پناه دهـ د یـا آفتـی را از مخلوقـی دور سـازد یـا مانعـی را از سر راهی بردارد یا به موجود زندهای فایدهای رساند؛ از مصادیق عبادت بوده در صورت همراهی با نیت صحیح، مایهٔ نزدیکی به خدا میباشد.

تنها نماز، روزه یا ذکر و دعا نیست که به عنوان عبادت روزانهٔ شما نوشته شده و موجب گرفتن پاداش از خدا میشوند، بلکه میتوانید چیزهای زیادی بر عبادات و نیکیهای خود بیفزایید که در نزد حق دارای ارزش و بهای متناسب با خود میباشند، هر چند در نظر خودتان کم ارزش و ناچيـز جلـوه کننـد.

مثلاً پيامبر صلى الله عليه وسلم دربارة اصلاحگری میان دو طرف متخاصم فرموده است: «آیا شما را از چیزی که درجهٔ فضیلتش بالاتر از نماز و روزه و صدقه است، آگاه نکنم؟ گفتند: چرا

گفت: آن چیز، اصلاح میان دو طرف است. زیرا

# لټان خلک

#### ليكوال: ډاكټروحيدالله مصلح

زما د هغه خلکو په حال ډير افسوس راځي چې هيـڅ کـوم گټـور کار نکـوي، ورځ هـم پـه خـوب تیروی او شپه هم پر خوب په سر اخلی.او بیا هـ ر وخت دا شکايت هـ م کـوي چـي ای کاش دا وخت نه وی تیر شوی، پدی ډول به وخت څنگه ښه تير شي چې نه اخبار لولي،نه کومه ټولنه کې کينې،نه عبادت کوي،نه د خير کوم عام کار کوی او نه د خیل اولاد اصلاح کوی،او دومره هم نه محسوسوي چې دوخت له دريابه دا راوتلي څپه بيا نـه راگرځـي.

هـو؛دا خلـك كلـه كلـه دا هـم وايـي چـي وروره!نـن سبا هیـڅ کـوم کار نشـته! د وخـت د تیریـدو خولا هيڅ نوم هم نه اخلي. هغه ته لا دا يته هـم نـه وي چـي کار پـه خيلـه را ويسـتل کيـږي او دوخت له هری لحظی کار اخیستل کیدای شی. زمونـ و شـتمن او غریب،لـوی او کوچنی،پـوه اونـا پوه، هریو هرومرود ژوند لپاره یو مقصدلري اود ژوندانه غوښتنې يې ورپورې تړلې وي. څوك غواړي چې مسول شي، اديب، ډاکټر، انجينير،او

رسول خدا ص پرسیدم چه چیزی بنده را از آتش هنگامی که رابطهٔ دو طرف به تباهی گرایید، همچو ماشین سلمانی عمل میکند» . در روایتی هم گفته است: «منظورم این نیست که مورا گفت: ایمان به خدا. گفتم: أيا عملي همراه ايمان وجود ندارد؟ میتراشد و میزداید بلکه دین را از ریشه میزند» . همچنین در بارهٔ عیادت مریض و منزلی که نزد موهبت نموده است، بخشش کنی. خدا دارد میگوید: «هر کس از یک بیمار عیادت کند، ندایی از آسمان به او خطاب میکند که پاک

گفت: امر به معروف و نهی از منکر کند. بهشت پیدا کردی». و نیز فرموده است: «کسی که به ملاقات بیماری میرود، تا وقتی ننشسته است، در رحمت شناور است و هنگامی که نشست

که کاری بلد نیست، صنعتی بیاموزد.

گفتم: یا رسولالله اگر ضعیف بود و قدرت یاری

آزار مردم خودداری کند؟

گفت: این عمل وجود دارد که از آنچه خدا

گفتم: یا رسولالله، اگر آدمی تهیدست بود و چیزی برای دادن نداشت؟ شدی، قدمهایت نیز پاک شدند و جایگاهی در

گفتم: اگر توانائی امر به معروف و نهی از منکر

گفت: فرد ناواردی را کمک نماید (یعنی کسی را

گفتم: یا رسولالله اگر در کاری مهارت نداشت

فرمود: مظلومی را یاری کند.

مظلوم را نداشت چه؟ گفت: آیا نمیخواهی رفیقت را نصیحت کنی که از

گفتم: ای رسول خدا، اگر چنین کند، به بهشت

فرمود: هیچ مؤمنی دارای یکی از این خصوصیات پیدا نمیشود مگر آن که همان خصیصه دستش را

وسلم نقل میکنند که گفت: کسی که در حین راه رفتن شاخهٔ خاری ببیند و آن را از سر راه بردارد، خداونـد از او سپاسـگزار بـوده گناهـش را میآمـرزد. و در روایت مسلم آمده است که: مردی در وسط راه به شاخهٔ درختی برخورد، با خود گفت: این را کنار میاندازم تا مسلمانان را نیازارد و در نتیجهٔ همین کار بـه بهشـت رفـت». از ابوذر نقل گردیده است که: «پیامبر فرمود

مسلم و بخاری از قول پیامبر صلی الله علیه

همهٔ اعمال نیک و بد امتم به من نشان داده شد و عمـل کنـار زدن مانـع از سر راه مـردم را در میـان اعمال نیک دیده».

باز هم از ابوذر رضى الله عنه منقول است كه: از گرفته وارد بهشتش ميسازد» .

یا سوداگرشی او څوك بيا غواړي چې كارخانې ولري، لنډه دا چې زمونږ هر يوغواړي چې په يو کار نه په يو کار کې دې بوخت وي. او پدې ډول د غوښتنو او موخو تر منځ يوه جگړه وي. نو د پورته مقا صدو د لاسته راوړلو لپاره اړينه ده چې د کارويشلو سره سره وخت هم وويشو.

دوخت دویشلو لپا ره بایـد لانـدې ټکي پـه نظر کې ونيـول شي:

۱\_د کار تـر مخـه ارام خـورا ضروري دی، دا ارام د پنځه دقیقو لپاره ولې نه وي، پدې ډول هیڅ کار هـم سـتونزمن نـه بریښـي، ارام او یـا خـوب پوره کول د صحت لپاره ډیر ضروري دی .

٢\_پنځه يا اوه ساعته خوب کول لازمي دي، پدی سرہ باید ځانونه پر سهار وختی پاڅېدو روږدي کړو، د سهار وخت د تازگۍ وخت وي، تر ارام وروسته دماغ هم تروتازه وي او وجود هـم سـپك وي،نـو ځکـه خـو پـدې وخـت کـې کار ښه تر سره کيږي. خو تر ستړيا وروسته نه کار سم تر سره کیږي، نه وجود په کار ټینگ پاتی کیـږي، نـه زړه تـه ډاډ حاصلیـږي او نـه خوښـي. ۳\_ د کار ویش اړین دی، ترټولو ړومبی باید د کار

ستونزمنه برخه او ستونزمن کار سرته ورسوو.

ځکه چې تازه دماغ ستونزمن کار په اسانۍ سره سرته رسولای شي،او اسان کار خو وروسته هم

٤\_د کار ښه ترتيب هم ضروري دی، په کار کې ترتیب،سلیقه او طریقه هم ډیره ضروری ده، دا خبري کار اسانوي، د کار د پيل تر مخه بايد کار ته اړين ترتيبات ونيول شي،تر څو په کار کې سختي او بي ځايه پريشاني رامنځته نشي. د هر شي ایښودل په خپل ټاکل شوي ځای د اسانتیا باعث گرځي او وخت هم زېرمه کيږي.

٥\_په يو وخت کې بايد يو کار تر سره کړو، په يو وخت کې د څو کارونو د پيل کيدو په پايله كې يو كار هم ښه نه پاييږي بلكه ريشاني لا پسې زياتيږي. که ته څومره بوخت ولې نه يې

په يو وخت کې يو کار سر ته رسوه. ٦\_ك محاسبي سره بايد عادت شو، كونسس وکړه چې د ورځنيو يا داشتونو يوه کتابچه ولرې،ترڅو د هـر کار لپـاره پکـې وخت ځانگـړی کړې او ويې گورې چې په ټاکلي وخت دې پای تـه رسـولی او کـه نه،کـه دې پـای تـه نـه ړ رسولی ،نو غوره داده چی د ورځنیو یادداشتونو له کتابچې سره سم يې پای ته ورسوې.

#### ترجمه: عبدالرحمن عزام

مشکل زناشویی گاهی بزرگ تبارز میکند؛ اما اگر برای درمان آن برنامه ریزی درستی در نظـر گرفتـه شـود، کوچـک میشـود. ایـن نکتـه ای اسـت کـه مـن همـواره هنـگام بیـان مشکلات، آن را متذکر میشوم. من مشکل را کوچک عنوان می کنم و شنونده از گفته ام تعجب می کند؛ زیرا به پندار او، این مشکل بس بزرگ است و علاج آن هم، بسی سخت، و یا هم گاهی شخص تلاش خویش را برای حل آن مبذول داشته است، ولی به نتیجه ای مطلوب نرسیده است؛ لذا حل آن را هفت خوان رستمی میدانید کیه بیرای عبور

از اَن بایـد بـا هیولاهـای فراوانـی چنـگ در چنـگ شد. درینجا هفت گام برای 📆 همسرانی که علاقمنید حل

و چاره جویی مشکل شان اند، پیشنهاد می شود که بـا عملـی نمـودن اَن، تفـاوت زیادی در زندگی خویش شاهد خواهند بود و اگر مدت زمان علاج به درازا کشید، این نمایانگر وجود مشکلات انباشته شده ای است که از دیر زمان وجود دارد و برای علاج آن رسیدگی صورت نگرفته است؛ این گام های هفتگانه به قرار آتی 🌉

# گام نخست؛ تشـخیص درسـت

اکثر اوقات شکوه و شکایتی از زوجین می شنوم که تشخیص شاکی غلط است و

به اساس آن مشکل را خیانت یا ارادهٔ ازدواج دوم، عناد و ضدیت، یا هم عدم احترام توصيف مى كند؛ اما پس از تحقيق متوجه میشویم که تعامل صورت گرفته از جانب یکی از زوجین از روی عناد و بی احترامی و... نیست؛ اما در حقیقت شاکی، آن را درست درک نکرده و به اساس برداشت نادرست خویش، چنین پنداشته است که در نتیجه باعث تنشی بزرگ در زندگی شان شده است. اگر ما مشکل را درست تشخیص دادیم، در واقع میشود گفت نصف آن را معالجـه نمـوده ایـم.

# گام دوم؛ تغییر یکی از عادات در خلال هفته

اگر یکی از زوجین احساس نماید کـه همسرش در خلال هفته یکی از اوصاف و عادات

# REALTH REALTH OF THE PROPERTY خویش را گرچه کوچک هم باشد، تغییر داده انتقام و احساس ضدیت را به ایشان منتقل

سال اول شماره اول جمعه ۱ قوس ۱۳۹۸ ، ۲۵ربیع الاول ۱۴۴۱، ۲۲ نومبر ۲۰۱۹م

است، این تغییر اندک هم که باشد، باعث

خوشبینی طرف دیگر میشود و او این را به

فال نیک می گیرد که مشکل شان در مسیر

حل خویش قرار دارد و آن دو در راه درست

بیشتر اوقات سبب پیچیدگی مشکل زوجیت

این است که یکی از زوجین رفته و از یکی از

اقرباء یا والدین و یا دوستان خویش مشوره

مى گيرد؛ اما انتخاب درستى ننموده اند؛

زیرا کسی که ایشان او را مورد اعتماد دانسته

و از وی درین باب مشوره میخواهند، خود

صاحب تجربهٔ ازدواج ناموفقی است که از

خلال مشوره دهي خويش، همان تجربهٔ ناكام

را به ایشان نیز انتقال میدهد که این بر

پیچیدگی معمای مشکل ایشان می افزاید.

باری به مشکلی ساده و بسیط در امور

خانوادگی برخوردم اما من تعجب کردم که

چرا زوجین این مشکل ساده را به اینجای از

پیچیدگی و بغرنج برسانند؛ هنگامی که از

سبب آن پرسیدم، گفتند ما به اساس مشوره

و ارایه نظر یکی از اقارب خویش چنین و

چنان نمودیم؛ او نیز فردی بوده که نسبت

به همسرش از برخورد درستی برخوردار نبوده

و همواره در پی انتقام از وی بوده است؛

حالا هم که ایشان از وی در باب مسائل و

علاج و درمان آن، روان اند.

گام سوم؛ مشاور قابل اعتماد

## گام چهارم؛ ارتباط دیداری

ارتباطات دیداری برای بازگرداندن ارتباط میان زوجین و تقویهٔ آن مهم است. در واقع هنگام بروز اختلاف، هر یک از زوجین چشم از دیگری فرو میدارد و از دیدن وی دوری می گزیند، اگر بتوانیم همسران را بران داریم در هفتهٔ اول با مجاهده با نفس خویش با همدیگر ارتباط دیداری برقرار نمایند، این امر به تسریع علاج مشکل و از بین رفتن تنش پیش آمده کمک شایانی مینماید. و اگر آن دو هم بتوانند روزانه خود را ملزم نمایند تا با همدیگر برای ده دقیقه هم که شده در اثنای گفتگو از راه دیدار ارتباط بگیرند، این کرده هم و غم و نگرانی های بوجود آمده را از میان میبرد.

#### گام پنجم؛ توجه به ویژگی های مثبت همسر

تلاش شود تا همسر با چشم پوشی از معایب و کاسـتیها، محاسـن و خوبیهـای همـسر خویش را همواره بیان کند. نکات مثبتش را متذكر شود و از ذكر نكات منفى، زبان باز دارد. او را در زندگی خویش، مهرهٔ مهم جلوه دهد و همچون چشم زنبور که بر گل و ریحان مینشیند و عسل بهره میدهد، در پی شکار زیبایی ها باشد و نه مانند مگس که بر پلیدیها نشیند و آلودگی به ارمغان آورد.

#### گام ششم؛ یادآوری روزهای خوب زندگی

یادآوری روزهای خوب زندگی، مانند بیان و خاطرات روزهای نخست ازدواج. اگر نرد یکی از همسران آلبوم تصاویر و یا فیلم شب ازدواج موجود باشد، آن را نگاه کنند و از فرحت و سرور آن شب سخن به میان آورند، بازگویی این موارد در جان روح دوباره میدمد. اگر تصاویر سفرها و سیاحتها، و یا هم نگاره های یادگاری روز تولید فرزندان شان و شادمانیها و خوش و بش خانواده در دسترس باشد، آنها را ببینند و در سایهٔ این خاطرات زیبا، زندگی کنند.

#### گام هفتم؛ دعا سلاح پرهیزگاران است

هیچ معضل و مشکلی وجود ندارد مگر اینکه دعا یکی از وسایل علاج آن است. خداوند متعال هنگامی که صداقت بنده اش را در دعا ببیند، خواسته اش را رد نمی کند. این موارد، گامهای هفتگانه ای بود که برای مشکلات همسرداری نظر خواسته بودند، او بهبود زندگی زناشویی در نخستین هفتهٔ نیز با ابراز نظر و ارایهٔ راه حل، همان شعور درمان مشکل. خورې! دعوت يوازې د سـړيو نه بلکې د ښځو دنده هم ده

كـورني ژونـد، اخلاقـي، عقيـدوي...) د حـل

لارې چارې وروښيو، هغه بد رواجونه او

بدعات چې زياتره خويندې ورباندې اخته

او ددين يوه برخه يي گڼي له مينځه يوسو.

د نني وخت زياتره ښځې داسې دي چې

يـوازې د لوډسـپيکر او راډيـو پـه غـر سره

سمدستي په ځان او خپلو چارو کې مثبت

بدلون او سمون راولي، نه د نارينه وو خبرې

په ښځو دومره اغيز کولاي شي خو زه

چې خپله د ښځې خبره او لهجه په ښځه

اغیرہ کولای شی، داسی کیدای نه شی

چى نارىنـه ټول ھغـه حالات چى پـه ژونـد

پوری تراو لری خویندو ته بیان کری، نه

ددی شرایط شته چی خویندی ددینی

احکامو د زده کړی لپاره ازادانه هر ځای

ته ولاړې شي او نه هم نارينه ددين د سم

فهم، او ددین د ډیرو احکامو د زده کړی

پیغام په بشپړ ډول خوندو ته رسولای شی،

نو خويندو! ددغه چارو د سرته رسولو مونږ

او تاسو مسؤلی یو، ددین ساتنه او ددین د

احكام و شوونه له مونو څخه همت، جرأت،

غيرت او لويه قرباني غواړي، که مونږ دغه

اخلاقي معيارونه په ځان کې پياوړي اوپه

کار واچوو، هله به د حضرت حفصی په څیر

وكولاي شو ددين په مينه خپله وينه قرباني

کړو، د ام عماره په څير (چې د احد په

ورځ يې د رسول الله صلى الله عليه وسلم

څخه دفاع کوله) ددين څخه دفاع وکړو،

ستره نمونه خديجة الكبرى رضى الله عنها

د عالمانو استاده، سپیڅلې عایشه رضي الله

عنها او نوري ټولي هغه طاهراني او اتلاني

چې ددين سره د مينې او قربانۍ ثبوت يې

د اسلامي تاريخ په زرينو پاڼو کې له ورايه

ځلیږي، باید د خپلو اعمالو او اخلاقو لپاره

نموني او لارښودي وټاکو او لاندنيو معيارونو

او دیـن او مسـلمانانو د خدمـت لپـاره پـه

میرانه وړاندی کیدل، که چیرته مسلمانی

زړه او ذهـن د علـم او پوهـې پـه روښـنايي

روښانه او رڼا وي، هغه وخت کولای شي

دديـن خدمـت او هـم د خپلـې كـورني ژونـد

چارې منظمې او په سمه توگه په مخ

په رڼاکې خپل ژوند په مخ بوځو.

۱-ددینی او عصری علومو حاصلول:

چارو کې گـډون:



# سیرت اخلاقی رسول گرامی ﷺ

#### بخش اول

### اوضاع جامعه عرب قبل از بعثت پیامبر گرامی ﷺ

زندگی عربها قبل از اسلام بر پایهٔ سنتها و عادات آباء و اجداد بنا شده بود و در حسب و نسب و روابط اجتماعیی و فردی دارای قوانین عرفی ویژهای بودند، افتخار بیش از حد به حسب و نسب و به سخنوری و قدرت آن به ویژه شعر از ویژگیهای آنها بود.

ولی در ناحیه اخلاقی وضعیت بیشتر قبایل عرب نابسامان بـود؛ آنها دلباختـهٔ شراب و قـمار بودنـد؛ غـارت و راهزنی و یـورش بـر قافلهها، تعصـب، سـتم، خونریـزی، گرفتن انتقام، غصب اموال و خوردن مال يتيمان و داد و ستد براساس ربا و دزدی و زنا میان آنان رواج پیدا کرده بود. زنا در میان کنیزها و روسپیهایی که پرچم بـر خانههایشـان میافراشـتند، وجـود داشـت و زنـان اَزاده کمتر مرتکب زنا می گشتند.

موارد فوق به این معنی نیست که تمامی اعراب پایبند اصول اخلاقی نبودند؛ بلکه بسیاری از آنان از زنا، خوردن شراب، ریختن خون دیگران، ظلم نمودن، خوردن مال یتیم و از داد و ستد براساس ربا پرهیز مینمودند و دارای خصلت های نیک و ویژگی های ارزشمندی بودند که اَنها را شایسته ساخت که پرچم اسلام را به دوش ﴿ د شکر ناروغي په دوه ډوله ده

> از جملـه عادتهـا و ویژگیهـای ارزشـمند و پسـندیدهای که عربها به آن مشهور بودند می توان به امور ذیل اشاره کرد: ذکاوت و هوشیاری، سخاوت و بزرگواری، شجاعت و مردانگی، محبت بـه اَزادی و نپذیرفـتن ذلـت و خواری، وفای عهد و صراحت و صداقت گویی، بردباری، حوصله و آرامش، نیروی بدنی و عظمت نفس و قدرت روحی، گذشت به هنگام قدرت و حمایت از همسایه و غيره صفات حميده.

> بلی چنین صفات و ویژگیها در این مردم وجود داشت كه الله تعالى آنها را براى حمل مسؤوليت بـزرگ برگزیـد چراکـه زمـان نجـات بـشر بـا فرارسـیدن مبعث پیامبر گرامی علی فرا رسیده بود.

بقیه در شماره بعدی....

# شكر ناروغي څه ډول رامنځته كېږي؟

#### إليكنه: منيب الرحمان رحماني

کله چې موږ خواړه وخورو نو په پايله کې پـه گلوکـوز يـا شـکر بدليږي،چـې وروسته دا د بدن ټولو حجرو ته رسول کېږي،حجـرو تـه د گلوکـوز د رسـولو دنـده د بـدن دوینـې د دوران پـه واسـطه کېږي،يانـي وينـه ترحجـرو دا گلوکـوز

خـو حجـرې تـه ددې گلوکـوز دننـه کولـو لپاره د انسولین هورمون حیاتي ارزښت لري، که چېرته په کافي اندازه د انسولين هورمـون شـتون ونلـري نـو گلوکـوز يـا شـکر په وينه کې پاتې کېږي او نشي کولی حجـرې تـه دننـه شي.

يانې په وينه کې د شکر د لوړېدو اصلي عامل د انسولین د هورمون کم والی یا نشت والي دي.

د انسولین بله دنده دا هم ده چې کلـه پـه وينـه کـې شـکر د اړتيـا څخـه زيات شي نـو د انسـولين پـه مرسـته ځگـر گلوکـوز گلايکوجـن تـه اړوي او هلتـه يـې ذخيـره كـوي.

په وينه کې د شکر اندازه د 70mg/dl او 100mg/dl ترمنځ وي،که چېرې دا ندازه تر 126mg/dl واوړي نو دا د شکر د ناروغي ترټولو ښکاره اشاره ده.

شکر د کنـترول لپـاره د انسـولین هورمـون اړيـن دی او د انسـولين لپـاره د پانکـراس د غـدې روغتيـا اړينـه ده.

اول ډول :پـه دې ناروغـي کـې پانکـراس پـه کمـه انـدازه انسـولین هورمـون تولیدوي،چـې نـشي کولـي د شـکر انـدازه کنترول کړي،خو پوښتنه داده چې ولې د پانکراس غدہ نشی کولی په کافی ندازه انسولین هورمون تولید کری؟ د بدن دفاعی سیستم په مختلفو ويروسونو او باكترياو حمله كوي او هغوی له منځه وړې کله کله د پو نامعلوم سبب له کبله د وجود دفاعی سیستم دیـو بـې نظمـی پـه اسـاس پـه وړانـدې شـوي درمـل چـې پـدې کـې خيلو حجرو حمله کوي.

په دې ډول شکر کې هم دپانکراس د غـدې پـه بيټـا حجـرو د بـدن دفاعـي سيستم حمله کوي او کله چې ددې حجـرو تخریـب%80 تـه ورسـېږي نـو نـور پانکـراس دانسـولین هورمـون پـه لازمـه انـدازه نـشي توليـد کولـی او پـه دې ډول

# نور نه په ځگر کې اضافي گلوکوزيا شکر ذخيره کېږي او نه د حجرې د

(4)

ننه د مصرف کولو لپاره دننه کېدی شي په وينه کې د شکر اندازه لوړېږي او د شکر لومـړی ډول ناروغـي رامنځتـه

دوهـم ډول شـکر ناروغی:پـدی ډول شکر ناروغی کی پانکراس کافی اندازه انسـولين هورمـون توليـدوي خـو د بـدن په حجرو کې د انسولين د هورمون ريسيپتور يانې قبلونكي نشته،دغه رېسـېپتورونه نـشي كولـي د انسـولين هورمون وپېژني او پدې ډول د انسولين هورمون په وړاندې حساسيت زياتېږي او که هورمون موجود هم وي کار نکوي. په دې ډول بيا هـم د انسـولين هورمـون خپله دنده نشي ترسره کولی او په وینه کې د شکر سویه لوړېږي.

## نښي نښاني:

-1زيات تږي کېدل -2ژر ژر تشی متیازی کول -3ستړي توب او خسته توب -4دوزن بايلل

-5ييكه ليدل -6زر زر وږي کېدل

#پاملرنه:ددې نښو نښانو ليدل قطعا د شکر د ناروغی د شتون په مانا ندي، د تشخیص لپاره باید په وینه کی د شکر اندازه وکتل شی، هغه هم باید د څه وخت لپاره همداسې ثابته لوړه وي که نه کله ناکله د شکر لوړېدل نورمال

د شکر د ناروغی په تداوی کې هڅه دا وی چـی د شـکر انـدازه پـه نورمـال سطحه کی وساتل شی،ځکه داوږد وخت لپاره مسلسل دشکر لوړوالي،د ويني رگونه،پښتورگو،سترگو عصبي سيستم او نورو ته سخت زیان رسوی. د شکر داندازی د نورمال ساتلو لپاره

ترډېره د انسولين هورمون د پيچکاري یا قلم یه واسطه وی منظم اخیستل،هره ورځ فزيکي فعاليت او سپورت کول او ددې ترڅنگ په خپلو خوراکي لېست کې د هغه خوراکونو څخه چې پکې زياته اندازه كاربون هيدرات شتون لري پرهېز كول حياتي اهميت لري.

## ليكنه: فضيله مروت

مسلمانې او مؤمنې خوينـدې د اسـلامي ټولنې د کورنیـو هغـه ډیـوی او څراغونـه دی چـی پـ وسیله یی د کورنیـو د غمونـو، اندیښـنو او بـد مرغیـو تیـارې لـه مینځـه ځـي او پـر ځـای یـې د مینـې، خوښـۍ او نېکمرغـۍ پلوشـې راخپریــږي، خـو کــه خوینــدې خپــل رول ار اهمیت په ټولنه کې درک او تثبیت کړي. ټولنې تـه وښـيي چـې زه لـه يـوې خـوا يـو لـړ امتيازات او حقـوق لـرم او لـه بلـې خـوا يـو لـړ مسؤلیتونه او مکلفیتونـه هـم لـرم، یـو شـمیر دنـدې او کارونـه لـرم چـې بايـد سرتـه يـې ورسـوم او رسـولی یـی هـم شـم، او دا ددی لپـارہ نــه چــې خپــل شــهرت پــه ټولنــه کـــ مطرح کړي بلکه ددې لپاره چې په اسلام کې د ژوند د نظم او انساني پياوړتيا اهميت او ارزښت ټولو ته ثبوت شي.

د خویندو ځینې دندې او مسؤلیتونه خوله بیـان پرتــه ټولــو تــه معلــوم دی چــی عبــارت دې له (د خپل کور او کورنۍ د چارو تنظیم او سمبالښت، د ماشومانو پالنه او روزنه، د خیـل خاونـد خدمـت او پـه شرعـي امـورو کی اطاعت، د خپلوانو او دوستانو سره نیک سلوک او غـوره چلنـد) کـه پـوه خـور دغـه دنـدی هـم پـه ریښـتینولۍ او صداقـت سرتـه ورسوی، نـو د خوشـحالۍ او ویـاړ ځـای دی خو پرته له هغې پداسې فاسد او ناوړه شرایطو او حالاتو کې چې د ټولنې په اړه او ذهن (په ځانگړي ډول پـه ځـوان نسـل) کـې د جهالـت، بې دينۍ، اخلاقي مفسداتو، جرمونو، نفاق، ارتـداد، بدلمنـۍ او نـور ويروسـونه د سـاري ناروغيو د ويروسونو په څير په لوړ سرعت سره خیریـږی پـر همغـه چـارو بسـنه نـده پکار، که نه نو بیا به خپله کورنۍ او ماشومان هم ددغو بد مرغيو له اغيز څخه خوندي ونشو ساتلاي.

خویندو! که نارینه کولی شی ددین زده کړه وکړي مونږ یې بایـد د هغـو څخـه ښـه وکولای شو. که ورونه ددین د صحیح فهم د خپریـدا هڅې کـوي، مونـږ یـې هـم کـولای شو بلکے مونے یی تر هغوی یو شه نے

خوینـدو! کـه نارینـه د نارینـه و ځوانانـو د اصلاح کار کولای شی، نو مونر د ښځو او پیغلو د اصلاح او سمون کار څرنگ نشو کولای؟ ولی نشو کولای خویندو ته ددین ضروري احکام ورزده کړو؟ ددین سم فهم وروښيو، هغه ستونزې او کړاوونه چې خوينـدې د ناپوهـۍ او ديـن څخـه د ناخـبرۍ

له امله ورسره لاس اوگريوان دي( لکه د هغه که په هر ځای او هر وخت کې وي بايد فرصت له لاسه ورنكري.

٣-د اسلام لپاره ایثار او قرباني ورکول: د اسلامی دعوت د خدمت گاری په حیث په مسلمان لازمه ده ترڅو په سختيو، ستونزو، كړاوونو كې له صبر، ثبات، تيريدنې او زغم څخـه کارواخـلی او غـوره بدلـه یـی د ځـان لپاره اسره وگرځوي او جاهلي غيرت (کينه، حسادت او سپین سترگتوب) پر ځای له ايماني غيرت ( زغم، پياوړتيا او حيا) څخه کار واخلي او ځان ورسره عادت کړي. ۴-د ظاهري تقوا په ځای حقیقي او باطني

ظاهری تقوا داده چی انسان یوازی له څو فهرست شوو نافرمانیو څخه ځان وساتي او حقیقي تقوا داده چې په هر ډول حالاتو کې د ايماني بصيرت په رڼا سره ځان په گناه کی له اخته کیدو څخه هم وژغوری او د هرې مسئلې حقیقت درک کړای شي او د تـل لپـاره يـی د خـدای جـل جلالـه څخـه د ويري او بنده گئ احساس په زړه کې وي. ۵-خپل ژوند ته نظم او ترتیب ورکول:

تقوا په ځان کې پيداکول:

دا د مسلمانې د ژوند سره نه ښايي چې هره ورځ او هـره چـاره يـې پـه تصـادفي ډول بـې تدییره او بې نظمه وي او هر څه چې ورسره مخ شي نو هماغسې ورسره توافق کوي يا يې پرته له څه پند او پایلې اخیستنې تیروي او هيـروي يعنـې د هيـڅ پېښـې او واقعـې څخه کوم پند، گټه او پایله نه اخلی، نه د خپل ژوند د ټولو اړخونو لپاره منظم فکر او غوره تدبير ولري او د هرې بدې، ناوړه او ناخوښی پیښی لپاره خپله فکر او د ژونـد طرز قرباني نکړي دا د منافقانو او د تش په نـوم مسـلمانو عـادت دی چـې د سـندرغاړو سره سندرغاړي کيږي، د هندوانو سره هندي ډوله او... مسلمانه باید هر وخت له دغه حالاتو او عاداتو څخه ځان وژغوري.

٦-د بديـو او نيمگړتيـاوو د لـه مينځـه وړلـو

د اسلام خدمتگاره، د ځان لپاره لازمه گڼې ترڅو خپل ځان د حيا، عفت، مسلمانۍ، فرمانـبردارۍ، نيکيـو د سرتـه رسـولو، صـبر، ثبات او زغم نمونه وگرځوي او خپل عملونه، اخلاق او ذهنیت د قرآني لارښوونو په رڼا کې تصفيه کړي ترڅو نورې خويندې پخپله ۲-د امر بالمعروف او نهي عن المنكر په له هغې څخه پند اونصيحت واخلي، خبرې او عملي يې په خويندو مثبت اغيزوکړي او په نيکيو امر اوله بديو منع کول د هر په ريښتيني ډول د خويندو په اصلاح کې مسلمان نارينه او مسلمانې ښځې فريضه ده خپله ونهه پوره کړي.

# FROM EMPTINESS TO ISLAM

10 years ago, Sonny Bill Williams there \*for all of mankind\*. I prayed became a Muslim while playing for Toulon in France after an unstable and wild period in his life which he describes as «wild and at the other end of the spectrum» compared to where he is now.

of the incredible New Zealand rugby team which has won consecutive world cups (2011 & 2015), whilst also featuring for various clubs. He is also one of the few players to play across both formats of rugby (union and league) and is now the \*highest earning\* player in the history of either format!

Umrah pilgrimage, describing the trip as an «awesome experience»

He says: «Yes, I am a Kiwi, a New Zealander, Samoan - but a human being. That is what Islam offers. It is

next to an African brother, an Asian, a European, a Middle Eastern, from all walks of life. He adds. «You are in your robes so there are no levels of society, \*everyone is equal\*, that is probably the biggest thing.»

He has since been an integral part This week (142019/11/), he was in Manchester to give a press conference after signing for his new and later told a reporter:

«Alhamdulillah (Thanking Allâh) means everything, » «Drinking a glass of water - Alhamdulillah. Having an opportunity to speak to you -Alhamdulillah. Seeing my wife and kids - Alhamdulillah. I always have my Last year, Williams performed the creator in the front of my mind.»»It took a few years for the process, but I found Allah, I found Islam and it really allowed me to turn the wildness in myself into positivity.

Allah swt says in surah Al-A>raf,

وَنَزَعْنَا مَا فِي صُدُورِهِم مِّنْ غِلِّ تَجْرِي مِن تَحْتِهِمُ الْأَنْهَارُ ۗ \* وَّوَقَالُوا الْحَمْدُ \* لِلَّهِ الَّذِي هَدَانَا لِهَـٰذَا وَمَا كُنَّا لِنَهْتَدِيَ لَوْلَا أَنْ هَدَانَا اللَّهُ ﴿ لَقَدْ جَاءَتْ رُسُلُ رَيِّنَا بِالْحَقِّ وَنُودُوا أَن تِلْكُمُ الْجَنَّةُ أُورِثْتُمُوهَا بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ

We shall remove all resentment from their hearts, and rivers shall flow beneath them, and they shall say: \*>Alhamdulillah\* Who has guided us on to this. Had it not been for Allah Who granted us guidance, we would not be on the Right Path. Surely the Messengers of our Lord did indeed come down with truth. Then a voice will cry out to them: (This is the Paradise which you are made to inherit as a reward for your deeds. We ask Allâh swt to preserve our brother Sonny, and grant him all the success in this life and in the Hereafter. Aamesn!.

#### **BROTHERHOOD** in ISLAM

#### By: Yunus Sedigi, Year 11, Hatch End **High School, London**

The idea of brother hood in Islam means more than just calling each other as your "brother" and "sister". One of the most essential elements of a strong and stable Islamic brotherhood is to fulfil the rights of others, but for most of us fulfilling the rights of others makes us think about feeding the poor, helping the orphans, and other such charitable events. However there is another group of rights we owe which we often neglect.

According to the quran , it is possible to transgress against others by mocking and insulting them as well as picking out their faults. MAKING FUN OF OTHERS how many times have we joked about those aspects of others which cannot be changed, such as their ethnicity, family, height, weight, and appearance? And how many times have we laughed or gossiped about the way someone dressed or their

mismatched clothing? al Hujaraat verse 11 Another habit that's widely common in our communities is:

FINDING FAULT IN OTHERS There are a group of people who constantly try to pick faults in other people and due to the lack of insight of the negative traits within their own selves, being unaware of the spiritual status of others. As Abdallah reported that the prophet (saw), said, "A believer is not a fault-finder nor abusive, obscene or vile" Fault finders normally tell others

about someone>s faults and rarely have the guts to face people; fitting the description of dhul-wajhayn in English meaning (two-faced)these people are which the Prophet Muhammad (saw) assigned to as troublemakers and hypocrites.

Finding faults in others inevitably leads to undermining the character of people and sometimes can destroy relationships. Islam teaches us not to destroy kinship and other

relationships, as Allah has warned us against cutting the ties of kinship, NISA CHAPTER 4 VERSE 1: we have to understand that all these sins can make other people feel inferior, embarrassed, hurt and makes the feel as though they are not worthy.

So... how can we prevent this in our communitys...

- firstly we must analyse ourselves and make sure we are not of those who hurt others. If we have we must seek forgivness.
- Peacefully approach those wo intentionally hurt others and explain the punishment of such actions. However if they continue, try to disassociate with such people.
- If someone is intentionally being hurt in front of you, step in and defend them like our prophet and imams (peace be upon them) would.
- 4) surah Ma'idah chapter 5 verse 8
- ...In other words we must be faithful to one another and keep firm the idea of BROTHERHOOD.



#### سال اول شماره اول جمعه ۱ قوس ۱۳۹۸ ، ۲۵ربیع الاول ۱۴۴۱ ، ۲۲ نومبر ۲۰۱۹م

# **PILLAR 1: THE TESTIMONY**

#### PILLAR 1: THE TESTIMONY

The greatest favour Allah has bestowed upon us is that of Al-Islam. To be truly grateful for the greatest favour, one must render to Allah his due.

Rendering to Allah what is due is included in the implications and meanings of the the Kalimah. The declaration (La Illaha Illalah) is not just any mere verbal profession. It carries conditions and implications when one utters it:

7 CONDITIONS

1) Islam consists firstly of knowledge and then putting that knowledge into practice. No man becomes truly a Muslim without knowing the meaning of Islam and the Kalimah- one becomes a Muslim not by birth but by knowledge of it. One should know the meaning of the shaahadah and this includes negating what it negates and affirming what it affirms.

There is no object or deity worthy of worship (negation), other than Allah (affirmation)

2) One should have absolute certainty and conviction of the truth and meaning of the Kalimah and Islam without any doubt. How can one claim to be a true Muslim if he doesn>t believe with all his heart what he is saying?

As mentioned in last week's broadcast, the first 2 conditions of the Kalimah. are: knowledge (knowing the true meaning of the kalimah), and certainty (not harbouring any doubts).

3) Thirdly, knowledge and certainty must be followed by absolute acceptance of the Kalimah>s implications (With the heart and tongue). One must wholeheartedly believe and accept in all that is stated in the Kalimah.

(Even Shaytan knows لا إله ألا الله but he rejected it instead of accepting it.)

4) The fourth condition is Submission, which is the physical implementation of لا إله إلا الله in our deeds. The Kalimah must be reflected in our hearts, tongues and actions. It is one of the meanings of Islam, «Total submission to the will and commands of Allah SWT.» The

and disbelievers is based around this kalimah. However, without truly understanding its meaning and fulfilling its conditions in every aspect of our lives, we cannot consider ourselves to be true believers.

5) The fifth condition is Truthfulness (Sidgh) which is to declare the Kalimah truthfully from one s heart and to make one>s speech in accordance with what is in the heart. (The opposite being dishonesty and hypocrisy).

6) Sixth is IKHLAS (Sincerity/Purity) which is the purification of oness speech and action from all the stains of shirk. Here, it means that when we declare the Kalimah, we must do so solely for the sake of Allah (not for the sake of parents, family or for any other worldly benefits).

Islam is not a race or family in which membership is automatically passed down from father to son. The word (Muslim) is not a title one inherits from his forefathers. Rather, one attains it by fulfilling the conditions of the Kalimah. Love for the Kalimah, its implications, and loving those who who act upon it. Loving Allah is to submit to what he loves, even if it opposes our desires and detesting that which He has prohibited even if our desires are inclined to it.

Another way of fulfilling this condition is to love our beloved prophet SAWS, by following his example and beautifying ourselves with his sublime mannerisms and characteristics.

The Prophet SAWS said: 'There are three characteristics, whoever has them finds the sweetness of iman: that Allaah and His Messenger are more beloved to him than other than them; that when he loves a person he loves him only for Allaah's sake and that he hates to return to disbelief after Allaah has saved him from it just as he hates to be thrown into the Hell-Fire'. (Bukhāri) PRACTICAL ASPECT OF CONDITION 7

Love is brought about when you fulfil

whole distinction between believers the rights of other muslims upon you and also go beyond by meeting their needs and requirements. This is how the true spirit of brotherhood (Ukhuwwah) can be established which leads to a social cohesion and cooperation among brothers and sisters of faith.

The Messenger of Allah Said:

حق المسلم على المسلم خمس: رد السلام، وعيادة المريض، واتباع الجنائز واجابة الدعوة، وتشميت العاطس (متفق عليه)

«A believer owes another believer five rights: responding to greetings, visiting him in illness, following his funeral, accepting his invitation, and saying (Yarhamuk-Allah (May Allah have mercy on you), when he says (Alhamdu lillah (Praise be to Allah)> after sneezing" [Agreed upon by Al-Bukhari and Muslim].

Imam Muslim's narration is,

«There are six rights of a Muslim upon a Muslim: When you meet him, greet him; when he invites you, respond to him; when he seeks counsel, give him advice; when he sneezes and praises Allah, say to him: (May Allah have 7) The 7th and final condition is having mercy on you (Yarhamuk-Allah)»; when he is sick, visit him; and when he dies, follow his funeral».

> حَقُّ اَلْمُسْلِمِ عَلَى اَلْمُسْلِم سِتٌّ: إِذَا لَقِيتَهُ فَسَلِّمْ عَلَيْهِ, وَاذَا دَعَاكَ فَأَجِيْهُ, وَاذَا إِسْتَنْصَحَكَ فَانْصَحْهُ وَاذَا عَظِّسَ فَحَمِدَ اللَّهَ فَسِّمَّتْهُ وَاذَا مَرِضَ فَعُدْهُ٫ {وَاذَا مَاتَ فَاتْبَعْهُ

#### To conclude

Unfortunately, many Muslims today simply utter a sentence but fail to carry out the obligations it imposes. They do not observe what Allah has commanded and do not avoid what He has prohibited. While failing to discharge fundamental obligations such as: The Five Daily Prayers, giving Zakat, observing Ramadan, avoiding indecency, they delude themselves into thinking that a mere verbal profession of this statement will qualify them for a life of eternal bliss in Jannah.

May Allah enable us to knowingly and sincerely declare the Kalimah with our hearts, profess it upon our tongues and implement it in our daily actions.

# Abu Bakr: A man of his word

Abu Bakr, also called al-Siddiq («the Upright»), was born in 573 in Mecca as son of Abu Quhafa, a Quraishi of the Banu Taim clan. His mother Umm Khayr Salma bint Sahr used to call him «Atiq,» which means good, noble and beautiful. Abu Bakr is said to have been always good to others. His name before Islam was Abdul-Kaba, which is inappropriate for Islamic beliefs, and the Prophet Muhammad changed his name to Abdullah.

Abu Bakr was called by several other names; however, al-Siddiq was the most popular one. Muslims continue calling him Abu Bakr al-Siddiq.

#### Conversion

While Umar's conversion story was dramatic, Abu Bakr accepted the new faith at once. He heard that Muhammad was calling people to the new faith and decided to visit him. After the two met and talked, Abu Bakr left his friend's home as a Muslim. It's a tradition to accept Abu Bakr as the second convert to Islam after Hadija, the Prophet Muhammad's beloved wife.

Abu Bakr was a true friend to the Prophet. When many people doubted what he said, Abu Bakr did not show any hesitation believing him. The holy Quran refers to Abu Bakr as «the second of the two» (9:40), meaning that he was the only person with Muhammad in the cave on the journey to Medina.

Abu Bakr used his riches as a tool for freeing Muslim slaves from their pagan masters, helping the poor and equipping the mujahedeen with weapons required for war. He worked as the treasurer of Islam.

He sat beside the prophet as he talked to notables of various clans visiting Mecca since he knew much about the genealogy of the clans and could make friends easily from those clans. In other words, he acted as a diplomat for Prophet Muhammad.

Beside those mentioned above, Muhammad in his last days asked him to lead the prayers at the mosque, which is considered a signal for his succeeding the prophet.

Abu Bakr fought in many wars together with Muhammad. He also joined small military campaigns against the pagans. He sat in the headquarters tent together with the prophet in the Battle of al-Badr. He used his body as a human shield to protect the prophet from pagan arrows in the Battle of Uhud.

He served as the al-Amer al-Hajj, who controls the pilgrimage to Kaba in Mecca.

#### Caliphate

The Prophet Muhammad, who died in 632, did not choose a definite successor. So, Muslims themselves should decide whom to choose as their new leader after the Prophet's death. It's interesting that they chose Abu Bakr even before the body of the prophet Muhammad was washed and buried. Thus, Abu Bakr became al-Amer al-Muminun (leader of the believers), which later would be called «caliphate.»

Abu Bakr's first action as caliph was to send the army to Syria under Usama ibn Zayd's command to suppress the rebel tribes of Hejaz and Najd. They were not arguing the singularity of Allah and Muhammad being Allah's messenger; however, they refused to pay zakat (a kind of Islamic almsgiving as a religious obligation for those who have a certain amount of property) and some other taxes to Medina. Abu Bakr defeated them and some other tribes who tried to return to their beliefs before Islam.

The tribes claimed that they had submitted to Muhammad and with

Muhammad>s death, they were free again. Abu Bakr insisted that they had not just submitted to a leader but joined the Muslim religious community of which he was the new head. Apostasy is a capital offense under traditional interpretations of Islamic law, and Abu Bakr declared war on the rebels. This was the start of the Ridda Wars, or the Wars of Apostasy. The severest struggle was the war with Ibn Habib al-Hanafi, known as «Musailimah the Liar,» who claimed to be a prophet and Muhammad>s true successor. The Muslim general Khalid bin Walid finally defeated al-Hanafi in the battle of Akraba.

I think Abu Bakr>s impersonal interpretation of Islam is the core of the Sunni tradition. When Umar refused to believe in the Prophet>s death, Abu Bakr warned him saying: «Whoever believed in Muhammad should be aware that Muhammad has died. And whoever believed in Allah should know that Allah is eternal.» This simple but apparent view guided Muslims for centuries.

#### Collecting the holy Quran

After the war against the rebels was won, Umar ibn al-Khattab offered caliph Abu Bakr to collect the pieces of the holy Quran together since many Muslims who had memorized the Quran from the lips of the prophet had died in battles. The record, when completed, was deposited with Hafsa bint Umar, daughter of Umar, and one of the wives of Muhammad. Later it became the basis of Uthman ibn Affan's definitive text of the Quran.

Abu Bakr died on Aug. 23, 634, in Medina. Shortly before his death, he urged the Muslim community to accept Umar ibn al-Khattab as his successor. The community did so, without serious incident.

Abu Bakr lies buried in the Masjid al-Nabawi mosque in Medina, alongside Muhammad and Umar ibn al-Khattab.

source: Daily Sabah

media@hayatfoundation.org.uk @

www.hayatfoundation.net

+44 7588 811824 - +44 7508 848893





www.hayatfoundation.org.uk 🕠





